

### وارونگی کرین در جنگل‌های آفریقا

در یک دهه گذشته، یکی از آرام‌ترین نقاط نقشه اقلیمی جهان به ناگاه به منبع نگرانی تازه تبدیل شده است. پژوهشی جدید نشان می‌دهد جنگل‌های آفریقا—زیست‌بوم‌هایی که زمانی همچون دیواری طبیعی در برابر کرین عمل می‌کردند—از سال ۲۰۱۰ به این‌سو دیگر توان جذب گذشته را ندارند و اکنون خود به منبع انتشار دی‌اکسیدکرین بدل شده‌اند. این تغییر به آن معناست که هر سه منطقه بزرگ جنگلی جهان، آمازون، جنوب‌شرقی آسیا و آفریقا، حالا به‌جای آن‌که به تثبیت اقلیم کمک کنند، به‌طور هم‌زمان در تشدید بحران نقش دارند؛ موضوعی که معادلات جهانی را در یکی از حساس‌ترین مراحل کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای پیچیده‌تر کرده است.

مطالعه منتشر شده در نشریه ScientificReports این‌تغییر را در درجه اول ناشی از مداخله مستقیم انسان می‌داند. افزایش جمعیت و تقاضای غذایی، پاکسازی زمین‌های جنگلی برای کشاورزی را تسریع کرده و پروژه‌های زیرساختی و فعالیت‌های معدنی نیز با قدرت بیشتر به قلب زیست‌بوم‌های حساس نفوذ کرده‌اند. هم‌زمان، گرمایش جهانی ناشی از سوخت‌های فسیلی تاب‌آوری طبیعی جنگل‌ها را کاهش داده و باعث شده این زیست‌بوم‌ها قدرت ترمیم خود را از دست بدهند. پژوهشگران تخمین زده‌اند جنگل‌های آفریقامیان‌سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ ۲۰ سالانه حدود ۱۰۶ میلیارد کیلوگرم زیست‌توده از دست داده‌اند؛ رقمی که از نظر بصری معادل وزن تقریبی ۱۰۶ میلیون خودرو است. بیشترین آسیب نیز در جنگل‌های مرطوب جمهوری دموکراتیک کنگو، ماداگاسکار و بخش‌هایی از غرب آفریقا مشاهده شده؛ مناطقی که معمولاً از آخرین سنگ‌های تنوع زیستی جهان شناخته می‌شوند. این تحقیق حاصل همکاری پژوهشگران مرکز ملی رصد زمین در دانشگاه‌های لس‌آلستر، شفیلد و ادینبرو است. آنها با ترکیب داده‌های ماهواره‌ای و مدل‌های یادگیری ماشین، تغییرات بیش از یک دهه‌ذخیره کرین در درختان را دنبال کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد آفریقا تا سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ هنوز نقش جذب‌کننده داشت، اما سرعت تخریب پس از آن به حدی رسید که تراز کرینی قاره را منفی کرد. در ادبیات اقلیمی، این‌تغییر زمانی رخ می‌دهد که جنگل توان نگهداشت بیشتر از آنچه آزاد می‌کند را از دست می‌دهد. چنین نقطه‌ای معمولاً هشدار جدی برای سیاست‌گذاران است؛ چرا که بازگشت به وضعیت پیشین دشوار و پرهزینه خواهد بود.

این پژوهش همچنین توجه را به یک ابتکار بین‌المللی جلب می‌کند: «صندوق همیشگی جنگل‌های بارانی» که برزیل پیشنهاد داده و هدف آن تأمین بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار برای حفاظت از جنگل‌هاست؛ طرحی که قرار است در ازای دست‌نخورده ماندن جنگل‌ها، منابع مالی به کشورها پرداخت کند. اما تاکنون تنها حدود ۶.۵ میلیارد دلار از سوی شمار اندکی از کشورها تأمین شده و شکاف میان هدف و تحقق آن، از نظر پژوهشگران بسیار نگران‌کننده است. پروفیسور هایکو بالتسر، نویسنده ارشد مطالعه و مدیر مؤسسه «آینده زیست‌محیطی» در دانشگاه لس‌آلستر، معتقد است این نتایج نشان می‌دهد جهان به اقدام سریع‌تری نیاز دارد. او یادآوری می‌کند که در اجلاس گلاسگو، دولت‌ها وعده پایان دادن به جنگل‌زدایی تا سال ۲۰۳۰ را مطرح کردند، اما نرخ فعلی پیشرفت «به‌هیچ‌وجه کافی نیست».

منبع: گاردین

# باز آرای‌ی زندگی جوانان چین

نسل تازه چین در جست‌وجوی تعادل و آرامش، کلان‌شهرها را ترک می‌کند و شهرهای درجه ۲ را جایگزین مسیر سنتی موفقیت می‌کند



لید: جوانان چین دیگر تحت فشار نورهای خیره‌کننده و هیاهوی کلان‌شهرهای اقتصادی، مسیر موفقیت خود را نمی‌جویند. نسل جدید، خسته از رقابت‌بی‌پایان، بیکاری و فرسودگی شغلی، به دنبال فضایی آرام‌تر و زندگی‌ای متعادل، از پکن، شانگهای و شنژن به شهرهای درجه‌دو مهاجرت می‌کند؛ شهری که هم فرصت‌های تازه دارد و هم امکان تجربه زندگی قابل‌تحمل‌تر را فراهم می‌آورد. این روند نشان می‌دهد که اولویت‌های جوانان چینی از جاه‌طلبی محض به سلامت روان و کیفیت زندگی تغییر کرده است و به‌تدریج شکل جدیدی از زندگی شهری را تعریف می‌کنند.

#### کلان‌شهرها و فشار بی‌پایان

دهه‌ها جوانان چین مسیر موفقیت را در چهار قطب اقتصادی و سیاسی کشور جست‌وجو می‌کردند: پکن به‌عنوان پایتخت سیاسی، شانگهای موتور مالی، گوانگجو مرکز تولید و صادرات و شنژن قطب فناوری. نورهای خیره‌کننده این‌شهرها، وعده پیشرفت و رفاه را می‌دادند، حتی اگر زندگی در آن‌ها به معنای آپارتمان‌های کوچک، اجاره‌های سرسام‌آور و ساعات کاری طولانی بود. این شهرها به نمادی از موفقیت تبدیل شده بودند، جایی که درآمد بالا و فرصت‌های شغلی گسترده، مهم‌ترین فاکتور برای نسل جوان تلقی می‌شد.

کلان‌شهرها خسته‌اند. این شهرهای درجه‌دو، اگرچه از نظر اقتصادی و نفوذ سیاسی پایین‌تر از قطب‌های اصلی هستند، اما امکانات شهری، آموزش باکیفیت، اکوسیستم کاری مناسب و فرصت‌های شغلی کافی، آن‌ها را به مقصدی جذاب بدل کرده است.

شیائوشیاو، مشاور مالی ۳۳ ساله، نمونه‌ای روشن از این مهاجرت است. او پس از یک دهه زندگی در پکن، با تمام موفقیت‌های حرفه‌ای و مالی، تصمیم گرفت به زادگاهش در هونان بازگردد. او می‌گوید: «پکن را دوست دارم، اما کم‌کم احساس کردم فضا دارد تغییر می‌کند. داشتن زندگی نسبتاً راحت و آرام برای جوان‌ها سخت‌تر شده است.» زندگی در چانگشا، با اجاره پایین‌تر و فضای اجتماعی گسترده‌تر، برای او و همسرش امکان تجربه‌ای متفاوت فراهم آورد؛ تجربه‌ای که برخلاف ظاهر موفقیت‌آمیز زندگی پکن، بیشتر بر کیفیت زندگی، روابط اجتماعی و آرامش روحی متمرکز بود. هزینه‌های مسکن، یکی از مهم‌ترین عوامل مهاجرت است. در حالی که قیمت متوسط هر فوت مربع در پکن و شانگهای حدود ۵۶۰۰ یوان است، در چانگشا این رقم به ۹۵۰ یوان می‌رسد. همین اختلاف، امکان خرید خانه، توسعه دایره اجتماعی و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی را برای جوانان فراهم می‌کند. رشد جمعیت در این شهرها نیز نشان‌دهنده جذابیت آن‌هاست؛ از سال

#### شهرهای درجه ۲: پناهگاه تازه

شهرهایی مانند چانگشا، چنگدو و چونگ‌چینگ، با فضایی آرام‌تر و زندگی‌ای با شتاب کمتر، به پناهگاهی برای جوانانی تبدیل شده‌اند که از بازار کار اشباع و فشار

۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳، جمعیت چهار کلان‌شهر ثروتمند تنها ۱.۷ درصد افزایش داشته، در حالی که جمعیت شهرهای درجه‌دو با نرخ ۱۸ درصد رشد کرده است. این افزایش عمدتاً شامل جوانان زیر ۳۵ سال است، که به دنبال فرصت‌های تازه، سبک زندگی متعادل و محیط اجتماعی دلپذیرتر هستند.

#### تجربه فردی و ارزش‌های نو

داستان یونه زی فنگ، ۲۵ ساله اهل سین کیانگ اویغور، نیز روایتگر این تغییر اولویت‌هاست. او پس از سال‌ها کار طاقت‌فرسا در شانگهای، جایی که الگوی کاری مشهور ۹۰-۹۶ (صبح ۹ تا ۹ شب، شش روز در هفته) حکم‌فرما بود، تصمیم گرفت به چنگدو بازگردد. زندگی در چنگدو، با درآمد کمتر اما آرامش روحی بیشتر، به او امکان می‌دهد روزها را بدون فشار و قضاوت زندگی کند. او می‌گوید: «حس می‌کنم اینجا خانه است... مردم، حس و حال شان، فضا... همه آرامند.»

چنگدو، با بیش از ۲۰ میلیون جمعیت، اگرچه بزرگ است، اما شتاب زندگی در آن با کلان‌شهرهای متعارف متفاوت است. کوچه‌پس‌کوچه‌های سنتی، محله‌های فرهنگی، باشگاه‌های شیبانه، و فعالیت‌های اجتماعی متنوع، شهری فراهم می‌آورد که افراد می‌توانند بدون تحمل فشارهای بی‌پایان، زندگی خود را تجربه کنند. همچنین دفترهای مرکزی شرکت‌های بازی‌های ویدئویی و مراکز فناوری، فرصت‌های شغلی جذاب را برای فارغ‌التحصیلان ایجاد می‌کنند. حمایت‌های دولت محلی، شامل اقامت‌های کوتاه‌مدت رایگان و اجاره‌های کم‌هزینه، نیز دسترسی جوانان به فرصت‌های شغلی و مسکن را تسهیل می‌کند.

شهرهایی مانند هفی و هانگژو نمونه‌های دیگری از این روند هستند؛ شهرهایی که دانشگاه‌ها و شرکت‌های فناوری، نیروی کار جوان و با مهارت را جذب می‌کنند و در عین حال امکان تجربه زندگی متعادل و آرام را فراهم می‌آورند. طبق گزارش سال ۲۰۲۴ پورتال کاربایی لیه‌پین، بیش از ۲۰ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی چین ترجیح داده‌اند در چنین شهرهایی مشغول به کار شوند، حتی اگر به معنای درآمد کمتر باشد.

نسل جدید چین، در پی دستیابی به کیفیت زندگی و تعادل روحی، ارزش‌های تازه‌ای را تعریف کرده است؛ ارزش‌هایی که فراتر از درآمد و موفقیت شغلی محض هستند. ترک کلان‌شهرها، جست‌وجوی فضاهای قابل‌تحمل و انتخاب شهری که امکان تجربه زندگی انسانی‌تر را فراهم کند، بخشی از بازنویسی نقشه موفقیت برای این نسل است. این جریان، تغییر اولویت‌ها و نگرش‌ها را به خوبی آشکار می‌کند: نسل تازه، به دنبال زندگی‌ای است که نه تنها از نظر مالی، بلکه از نظر اجتماعی و روحی نیز پایدار باشد.

منبع: equaltimes

#### تمرکز ثروت و مالکیت سرمایه‌های آلاینده، بار پیامدهای اقلیمی را بر فقیرترین گروه‌های جهان سنگین‌تر کرده است

در صورت استخراج و سوزانده شدن، می‌توانند روند اتمام بودجه کرینی را تسریع کرده و خسارات اقلیمی برگشت‌ناپذیر ایجاد کنند. گزارش «آزمایشگاه نابرابری جهانی»، بارانه‌های ممتد سوخت‌های فسیلی را یکی از محرک‌های اصلی تداوم این سرمایه‌گذاری‌ها می‌داند و هشدار می‌دهد که کشورهای درحال توسعه اغلب با هزینه‌های بالای استقرار روبه‌رو هستند. این استقراض‌ها در حالی پیگیری زیرساخت‌های سبز را برای کشورهای در حال توسعه دشوار می‌کند که خودشان بیش از همه در برابر پیامدهای اقلیمی آسیب‌پذیر هستند.

#### سیاست اقلیمی و خطر نابرابری

ابزارهای اقلیمی مبتنی بر بازار، به‌ویژه مالیات کرین، اگر با دقت طراحی نشوند، می‌توانند بار نامتناسبی بر دوش خانوارهای کم‌درآمد بگذارند. در مقابل، افراد ثروتمند انعطاف‌پذیری بیشتری دارند: آن‌ها می‌توانند سرمایه‌گذاری‌های خود را از دارایی‌های آلاینده دور کنند، اما خانوارهای کم‌درآمد برای نیازهای حیاتی پرکرین جایگزین‌های فوری و در دسترس ندارند. این پویایی به توضیح مقاومت اجتماعی در برابر سیاست‌های اقلیمی در بسیاری از کشورها کمک می‌کند. دولت‌ها نیز با ریسک‌های فرآینده حقوقی روبه‌رو هستند. سرمایه‌گذاران سوخت‌های فسیلی زمانی که مقررات اقلیمی یا توقف تدریجی سوخت‌های فسیلی سودهای مورد انتظار آن‌ها را تهدید کند، به‌طور فزاینده‌ای مطالبه غرامت می‌کنند که گاه تا میلیاردها دلار هم می‌رسد. به این ترتیب، ثروت عمومی که از پیش تحت فشار است، به‌طور مستقیم در معرض هزینه‌های گذار اقلیمی قرار می‌گیرد. منبع: اکونومیست

#### مالکیت و تولید آلودگی

تحلیل این گزارش شکافی آشکار بین انتشارهای ناشی از مصرف و آن‌هایی که به مالکیت سرمایه گرهِ خورده‌اند شناسایی می‌کند. در حالی که یک درصد بالای جمعیت جهان مسئول ۱۵ درصد انتشارهای مرتبط با مصرف است، سهم آن‌ها از انتشارهایی که به مالکیت سرمایه خصوصی مربوط می‌شود به ۴۱ درصد می‌رسد. برای گروه‌های کم‌درآمد، انتشارها تقریباً به‌طور کامل از نیازهای اولیه مانند حمل‌ونقل، برق، گرمایش، سرمایش و خدمات عمومی مثل آموزش و مراقبت‌های بهداشتی ناشی می‌شود. اما در میان گروه‌های پردرآمد، بخش عمده انتشارها از مالکیت دارایی‌های آلاینده سرچشمه می‌گیرد. گزارش اشاره می‌کند که در اروپای غربی، سرمایه‌گذاران ثروتمند، مالک تاسیسات تولیدیِ پرِکرین در خارج از مرزها هستند و انتشارهای ناشی از این دارایی‌ها از آلودگی‌ای که سرمایه‌گذاران خارجی در داخل این کشورها ایجاد می‌کنند فراتر می‌رود. این موضوع گستره جهانی نفوذ مالکان دارایی‌های پردرآمد و دشواری ردگیری کنترل‌کنندگان واقعی دارایی‌های سوخت‌های فسیلی را برجسته می‌کند.

#### جریان سرمایه فسیلی

با وجود تعهدات اقلیمی، سرمایه‌گذاری قابل توجه در زیرساخت‌های سوخت‌های فسیلی همچنان ادامه دارد. این پروژه‌ها در دست طیف محدودی از شرکت‌ها و سهام‌داران آن‌ها متمرکز است، در حالی که این سرمایه‌گذاری‌ها به شدت با نابرابری‌های موجود در توزیع ثروت گره خورده‌اند. ذخایری که هدف پروژه‌های استخراج برنامه‌ریزی شده هستند،

گزارش تحلیلی جدیدی از طرف «آزمایشگاه نابرابری جهانی» با مشارکت «برنامه توسعه سازمان ملل متحد» (UNDP) و «مدرسه اقتصاد پاریس» هشدار می‌دهد که جهان در حال ورود به مرحله‌ای بحرانی است. مرحله‌ای که در آن تغییرات اقلیمی و تمرکز ثروت هم‌زمان با شتابی فزاینده پیش می‌روند و هر یک دیگری را تشدید می‌کند. این گزارش تأکید دارد که سیاست اقلیمی دیگر نمی‌تواند از مسائلی چون مالکیت، ثروت و قدرت جدا باشد. بر این اساس تصمیم‌هایی که در دهه پیش رواتخاذ می‌شود تعیین خواهد کرد که آیا گذار به اقتصاد کم‌کرین نابرابری‌ها را تشدید می‌کند یا به کاهش آن‌ها یاری می‌رساند. این مطالعه با عنوان «تغییر اقلیم؛ یک چالش سرمایه‌ای» یادآور می‌شود که تغییر اقلیم سریع‌تر از هر زمان دیگری پیش می‌رود و بودجه کرینی باقی‌مانده برای محدود کردن گرمایش به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد تقریباً روبه پایان است. پیامدهای این وضعیت، از فروپاشی زیست‌بوم‌ها تا اختلال در شیوه‌های معیشت انسانی، همین حالا زندگی آسیب‌پذیرترین جمعیت‌ها را تهدید می‌کند. با این حال، نویسندگان تأکید می‌کنند که خود خسارت‌های اقلیمی نیز به‌شدت نابرابر است و بیشترین فشار را بر خانوارهای کم‌درآمد و کشورهای فقیر وارد می‌کند. هم‌زمان، جهان با تمرکز بی‌سابقه ثروت روبه‌روست. دهک بالای جمعیتی، سه چهارم دارایی‌های جهان را در اختیار دارد و یک درصد بالای ثروتمندان امروز مالک ۳۸.۴ درصد از کل ثروت جهان هستند. اگر روند فعلی ادامه یابد، برآوردها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۵۰ سهم یک درصد بالایی می‌تواند به ۴۶ درصد دارایی جهانی برسد که این افزایش عمدتاً به دلیل توان آن‌ها در تأمین مالی و مالکیت سرمایه‌گذاری‌های اقلیمی آینده است. گزارش «آزمایشگاه نابرابری جهانی» استدلال می‌کند که این امر نشان‌دهنده عدم توازن قدرت عمیق‌تری در قلب سیاست اقلیمی است.